

## ابتکارات و نوآوری‌های بلاغی احمد عزیزی در مثنوی‌های آیینی

مرتضی سبزواری<sup>۱</sup>، علی حسین رازانی<sup>۲</sup>

### چکیده

احمد عزیزی شاعر معاصر، به ارزش‌های دینی و مذهبی نگاهی ویژه و خاص دارد. او اشعار آیینی‌اش را با زبانی نوآورانه و نگاهی تازه و نکته‌بینانه به وقایع و اتفاقات و شخصیت‌های مهم شیعه سروده است. به همین منظور، بسیاری از اصطلاحات و کلمات و ترکیبات امروزی را وارد شعر خود نموده یا کلمات و ترکیبات تازه‌ای را ابداع کرده که به شعرش تازگی و جذابیت خاص بخشیده است؛ تا جایی که نظیر آن در شعر دیگران کمتر پیدا می‌شود. در این مقاله، ۵۶۱ بیت از بیست مثنوی آیینی و مذهبی شاعر انتخاب شده و ویژگی‌های خاص ۲۲ صنعت بلاغی، از نظر کمی و کیفی، مورد بررسی قرار گرفته است. نتیجه حاصل از آن گویای این نکته است که احمد عزیزی شعر آیینی را به قصد صنعت‌پردازی نسوده است؛ بلکه هدف اصلی او از به‌کارگیری فنون بلاغی و صنایع ادبی، آن بوده که بتواند ضمن ارائه تصاویر نو از وقایع و شخصیت‌های مذهبی، شیعیان و به‌خصوص نسل جوان را با فلسفه مذهب شیعه و مسئولیت شیعه‌بودن آشنا کند. در نهایت شاعر در رابطه با بیان محتوا و رساندن پیام شعر آیینی، نوآوری‌ها و ابتکارات بلاغی فراوانی داشته است که در این مقاله برای نخستین بار به آن‌ها پرداخته می‌شود.

**واژه‌های کلیدی:** احمد عزیزی، شعر آیینی، طغیان ترانه، صنایع ادبی.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد دورود. [morteza2059@gmail.com](mailto:morteza2059@gmail.com)

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد دورود. (نویسنده مسئول) [dr\\_razani@yahoo.com](mailto:dr_razani@yahoo.com)

## ۱. مقدمه

شعر شیعه یا شعر آیینی به شعری گفته می‌شود که در آن اصول و مبانی مذهب شیعه مطرح می‌شود و شاعر به توصیف مناقب و منزلت ائمه شیعه<sup>(ع)</sup>، خاندان رسول اکرم<sup>(ص)</sup>، حوادث و اتفاقات مهم و تلخ و شیرینی می‌پردازد که در گذر تاریخ بر شیعیان گذشته است. از جمله، واقعه کربلا که در اصطلاح به آن «مقتل» گفته می‌شود. از سوی دیگر، صنایع ادبی و فنون بلاغی در آثار ادبی به زیبایی سخن می‌افزاید و شاعر به کمک این فنون می‌تواند تصاویر بدیع و زیبا بیافریند و شعر را از مرتبه فصاحت به مقام بلاغت برساند. وقتی شعر به مقام بلاغت رسید، قدرت تأثیرگذاری مفاهیم و محتوای آن بر خواننده افزایش می‌یابد. چنین شعری به عنوان یک اثر فاخر ماندگار می‌شود و در ذهن و زبان خوانندگان جاودانه می‌گردد.

## ۲. اهمیت و اهداف مطالعاتی

تحقیق و پژوهش در خصوص شعرای معاصر و بیان ویژگی‌ها و زیبایی‌های بلاغی در اشعار آیینی، ضرورتی است که باید در عصر حاضر مورد توجه محققین قرار گیرد. به خصوص شاعری صاحب سبک چون احمد عزیزی که به ارزش‌های دینی و مذهبی نگاهی ویژه دارد. ارزش اشعار آیینی او در آن است که با زبانی نوآورانه و نگاهی تازه و نکته‌بینانه به وقایع و اتفاقات و شخصیت‌های مهم شیعه پرداخته است. او سعی کرده به گونه‌ای شعر آیینی بسراید که نسل جوان و امروزی به آن جذب شود. به همین منظور، بسیاری از اصطلاحات و کلمات و ترکیبات امروزی را وارد شعر خود کرده یا کلمات و ترکیبات تازه‌ای را ابداع نموده که در شعر دیگران نظیر آن کمتر پیدا می‌شود. ترکیباتی چون: نشر شمر، یزیدستان، دختر لولاک، دختر پاک حرا، عمروعاص سگه، پیغمبر پروانه، شهر گندمگون‌ترین گنجشک‌ها و... در شعر او فراوانند. با جست‌وجو در پایگاه‌های اطلاع‌رسانی، مجلات، رساله‌ها و کتاب‌های مرتبط با موضوع، مشخص

گردید که تا به حال درخصوص ویژگی‌های بلاغی و صنایع ادبی در مثنوی‌های آیینی و مذهبی احمد عزیزی در کتاب طغیان ترانه، هیچ‌گونه کار تحقیقی انجام نگرفته است. بدین ترتیب با توجه به اهمیت اشعار آیینی در عصر حاضر و تأثیر صنایع ادبی و فنون بلاغی در شعر عزیزی، انجام این تحقیق ضروری به نظر می‌رسد.

ازجمله اهداف این تحقیق، نشان دادن کاربرد کمی و کیفی صنایع ادبی و فنون بلاغی شامل صنایع بیان و بدیع است. همچنین بیان نوآوری‌های ادبی بوده که شاعر در مثنوی‌های آیینی و مذهبی از خود بروز داده است. در نهایت، نشان دادن ارتباطی است که شاعر توانسته بین صنایع ادبی با محتوای مذهبی و مضامین شعر آیینی خود ایجاد کند.

### ۳. پیشینه و روش تحقیق

درخصوص اشعار شیعه و بلاغت شعر احمد عزیزی، تحقیقاتی صورت گرفته است؛ ازجمله مقاله‌ای با عنوان «نگاهی به شعر احمد عزیزی» (شعبان زاده، ۱۳۹۰) نویسنده در این مقاله، عناصر زبان‌شناختی عاطفه، تخیل، زبان، موسیقی و شکل اشعار شاعر را مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه رسیده که لطف سخن او را باید در میان مکاشفات روحانی اش جست‌وجو کرد. مقاله دیگری با عنوان «زیباشناسی سیمای حضرت فاطمه<sup>(س)</sup> و حضرت زینب<sup>(س)</sup> در شعر احمد وائلی و احمد عزیزی» (امامی و زینی‌وند، ۱۳۹۹) که نویسندگان به این نتیجه رسیده‌اند که هر دو شاعر از نظر کاربست ساختاری و جنبه‌های هنری از عناصر علم بیان، معانی و بدیع بهره برده‌اند. مقاله دیگر، با عنوان «پژوهشی در ساختار هنجارگریزی شعر احمد عزیزی» (یوسفی و شهرآبادی، ۱۳۹۴) است که نتیجه به دست آمده در این مقاله گویای این نکته است که در هنجارشکنی نحوی که یکی از مهم‌ترین عوامل رستاخیز واژه‌هاست، عزیزی واژه را خلاف انتظار خواننده به کار می‌برد. به عبارتی، هنجارشکنی نحوی وی

بیشتر در زمینه‌های کاربرد نابجای حروف و افعال است. مقاله «تحلیل زیباشناختی ساختار زبان شعر احمد عزیزی» (آقاحسینی و زارع، ۱۳۹۰) براساس کفش‌های مکاشفه نگاشته شده و نویسندگان در آن به بررسی ساختار زبان در اشعار احمد عزیزی با تکیه بر هنجارگریزی و شگردهای آشننازداiane پرداخته‌اند.

روش تحقیق این مقاله توصیفی تحلیلی است. به همین منظور با استفاده از منابع دست اول و مرجع، ابتدا به معرفی صنایع ادبی و فنون بلاغی پرداخته شده، سپس کاربرد کیفی صنایع ادبی و رابطه آن با محتوا و مضامین اشعار آیینی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

#### ۴. ارائه داده‌ها

##### ۴-۱. معرفی احمد عزیزی

احمد عزیزی، زاده سال ۱۳۳۷ در شهر سرپل ذهاب در استان کرمانشاه است. پدر او از شعرای کرمانشاه بود و اشعارش رنگ و بوی شعر شیعی داشت. احمد در خانواده‌ای بزرگ شد که شعر شیعه از کودکی ورد زبان او شده بود و در مراسم عزاداری محرم، اشعار پدرش را زمزمه می‌کرد. تا اینکه در دوره نوجوانی، او خودش به مناسبت ایام محرم نوحه‌ای سرود و سینه‌زنان و زنجیرزنان با آن دم گرفتند. این نفس گرم عزاداران امام حسین<sup>(ع)</sup> یک باره آتش عشقی در دل احمد روشن کرد و تا پایان عمر از او جدا نشد؛ به‌گونه‌ای که در آثار فراوانی که در سی سال دوران شاعری اش سرود، بازتاب این عشق به شیعه و آل رسول<sup>(ص)</sup> را می‌توان یافت. از عزیزی پانزده اثر یا مجموعه شعر باقی مانده است: کفش‌های مکاشفه، یک لیوان شطح داغ، باران پروانه، روستای فطرت، ترانه‌های ایلیایی، ملکوت تکلم، خورشید از پشت خیزران، قوس غزل، شرحی آواز، خوابنامه، باغ تناسخ، رودخانه رویا، سیل گل سرخ، فردای فلسفه و کتاب مثنوی طغیان ترانه.

#### ۴-۲. بازتاب شعر شیعی در کتاب طغیان ترانه

عزیزی برای تحول در شعر شیعه، همزمان دو تغییر اساسی در شعر آیینی به وجود آورد: نخست به جای نقل سنتی روایت‌های پیشین شاعران شیعه، با بینش عمیق، فلسفی، عرفانی و پراحساس، به شخصیت‌ها و وقایع مهم تاریخ تشیع نگریست که از این منظر، شعرش بسیار پرمحتوا و ناب است. تحول دیگر او، به‌کارگیری زبان و ادبیاتی نو و تازه در شعر آیینی است. ابتکارات زبانی و ادبی عزیزی شامل انتخاب واژگان جدید و استفاده از آن‌ها در قالب ترکیبات وصفی، تشبیهی و استعاری است. او در صنایع ادبی و فنون بلاغی نیز نوآوری و ابتکارات زیادی از خود بروز داده است. بدین ترتیب، در سرودن اشعار شیعی سبک تازه‌ای آفرید که مخصوص خود اوست.

کتاب طغیان ترانه از مجموعه آثار عزیزی است که بیست مثنوی آیینی از آن انتخاب شده است. عناوین این مثنوی‌ها عبارتند از: لهجه خورشید، سنگ خطبه، روضه دوست، سماع سینه‌زان، بیات نینوا، شمرشناس، دولت یار، زخم زیبایی، درّه نی‌لبک، از دشت مطلق، پای دیوار ندبه، ضریح گمشده، نخل و خون، از قعر غیبت، زبان زنجره، شقایق شش ماهه، تعزیه بهار، صلاة تشنگی، تکلم فرات و آواز علقمه. عزیزی در این بیست مثنوی، به مسائل مختلفی در ارتباط با مذهب تشیع پرداخته است. از جمله در مثنوی زبان زنجره، از خلافت حضرت علی<sup>(ع)</sup> و رشادت‌ها و صفات ایشان سخن می‌گوید. یا در مثنوی‌های دیگر به توصیف شخصیت حضرت زهرا<sup>(س)</sup> و حضرت زینب<sup>(س)</sup>، موضوع ظهور امام زمان<sup>(عج)</sup> و بحث انتظار پرداخته است. بیشترین موضوعی که شاعر در مثنوی‌های خود به آن اشاره کرده، واقعه کربلا و شهادت امام حسین<sup>(ع)</sup> و یارانش است.

نکته مهم در اشعار شیعی عزیزی، بیان هنرمندانه و شاعرانه اوست که با زیبایی‌ها و ابتکارات بلاغی و صنایع ادبی آمیخته شده است. او در توصیفات خود

نیز نوآوری‌های زیادی دارد؛ برای مثال، او از محدود شعری است که روی شخصیت شمر متمرکز شده و در مثنوی «شمرشناس»، در ابیات مکرر و پشت سر هم، زشتی اعمال، شناعت، پستی و سیوعیت او را نسبت به خاندان عصمت و طهارت<sup>(ع)</sup>، از جنبه‌های مختلف شرح داده است. کمتر شاعر شیعه معاصر است که بدین گستردگی و زیبایی، شخصیت حضرت زهرا<sup>(س)</sup> و حضرت زینب<sup>(س)</sup> را از جنبه‌های مختلف توصیف کرده باشد. از جمله در مثنوی «ضریح گمشده» که بارها از نماد یاس برای حضرت زهرا<sup>(س)</sup> استفاده کرده است. توصیفات زیبای عزیزی در مثنوی «صلاة تشنگی» و «آواز علقمه» درباره حضرت ابوالفضل<sup>(ع)</sup> و رشادت‌ها و دلاوری‌های آن حضرت نیز کم نظیر است. او حتی در مثنوی «از دشت مطلق» به زیبایی و در ابیات پی‌درپی، ذوالفقار علی<sup>(ع)</sup> را توصیف کرده، به آن شخصیت انسانی داده و بارها با او سخن گفته است.

یکی از ارزش‌های مهم در شعر عزیزی، آن است که او به عنوان یک شیعه مسئول و متعهد، در مثنوی «پای دیوار ندبه» که با «یا علی» آغاز می‌شود، وظایف شیعه بودن را به ما یادآوری می‌کند. در مثنوی «نخل و خون» نیز بعد از توصیف حضرت علی<sup>(ع)</sup>، به نقش شیعه بودن اشاره دارد. در مثنوی «از دشت مطلق»، او عقیده دارد که شیعیان نباید فقط در انتظار ظهور باشند؛ بلکه باید خود را برای شیعه امام بودن نیز آماده کنند. این بخش از شعر عزیزی، او را از حد یک شاعر معمولی به مرتبه شاعری مسئول، متعهد، دلسوز و معلمی با اخلاق و باایمان ارتقا می‌بخشد. او سعی دارد با بیانی علمی و ادبی و با اتکا به آیات و احادیث، جوانان و نسل تازه را با شخصیت‌ها و وقایع و اتفاقات مهم در تاریخ مذهب شیعه، آشنا کند.

#### ۳-۴. بررسی کمی و کیفی صنایع ادبی در مثنوی‌های آیینی احمد عزیزی

در کتاب طغیان ترانه هدف شاعر فقط به کارگیری صنایع ادبی نبوده و آنچه عزیزی

را به عنوان شاعری بلیغ و توانا در شعرای آیینی ممتاز و برجسته کرده، روش و کیفیت به‌کارگیری صنایع ادبی و رعایت فصاحت و بلاغت در اشعار آیینی اوست. در ادامه برخی از این صنایع در اشعار عزیزی بررسی خواهد شد.

#### ۴-۳-۱. بررسی کتی و کیفی تشبیهات

شاعر در مثنوی‌های آیینی خود، ۲۹۸ بار از صنعت تشبیه استفاده کرده و پرکاربردترین صنعت او بوده است. از این تعداد، ۱۷۶ مورد تشبیه بلیغ و ۱۲۲ مورد از انواع دیگر تشبیه است. او در آوردن این صنعت شعری، به بیان فشرده و بلیغ آن تمایل داشته است و سعی کرده تصاویر را هرچه فشرده‌تر ارائه دهد. در ادامه، ویژگی‌های تشبیهات شاعر با ذکر مثال توضیح داده می‌شود. در بین مشبه و مشبه‌به صنعت واج‌آرایی یا هم‌صدایی یا هم‌حروفی را رعایت کرده و موسیقی کلام را افزایش داده است. مانند «رود روح» در این بیت:

روی رود روح، پل داریم ما

چارده معصوم گل داریم ما

(عزیزی، ۱۳۸۷: ۲۳۰)

و «مولای موج» در این بیت:

ای امام آب، ای مولای موج

ای به گرد قلّه‌ها لولای اوج

(همان: ۵۹)

و «شیعیان شبنمش» در این بیت:

گاه می‌افتاد از چشم غمش

قطره‌ای از شیعیان شبنمش

(همان: ۸۳)

در بعضی از تشبیهات بلیغ اضافی و غیراضافی، مشبه یا مشبه به به تنهایی از صنعت تلمیح برخوردارند؛ یعنی به آیه، حدیث، حادثه، مکان و زمان خاص، اصطلاح و شخصیت‌های سیاسی، دینی، مذهبی، عرفانی یا قرآنی اشاره دارد. مانند: گلزار لولاها، باغ بسم الله، باغ فقه جعفری، مسجد الاقصی تن، طشت یحیی دامت، همکلاسی‌های من قنبر شدند، رود تجلی، معجزه شق القمر ابروی تو، ذوالفقاری که دو ابروی تو باشد عشق است. (عزیزی، ۱۳۸۷: ۳۶) و.....

شمر یعنی قحطی لومومبه‌ها

شمر یعنی دست موسی چومبه‌ها

(همان: ۱۰۶)

گاهی برای یکی از طرفین تشبیه، صفت می‌آورد که آن به زیبایی تشبیه می‌افزاید. مثلاً عطر پاک نیت (همان: ۱۵۵)، دامن سفید آشتی (همان، همان جا) و اژدهای خفته سرمایه در این بیت:

می‌کشد او دیو آهن پایه را

اژدهای خفته سرمایه را

(همان: ۱۳۱)

ویژگی دیگر، غیرتکراری و غیرتقلیدی بودن تشبیهات شاعر است که در شعر کلاسیک و معاصر نمونه‌ای ندارد. مانند: شطّ اشک (همان: ۱۵۶) یا تشبیه قلب شیعیان به فرق خونین علی<sup>(ع)</sup>:

سرخ مردن مغز آیین علی ست

شیعه قلبش فرق خونین علی ست

(همان: ۲۲۹)

در تشبیهی دیگر نیز شیعیان را به کاهنان کوه غیبت، تشبیه کرده است:

شیعیان در قلب عالم ساکنند

شیعیان در کوه غیبت کاهنند

(همان: ۱۵۵)

یا تشبیه ذوالفقار عشق در این بیت:

شیر در خواب بشر غرّان تر است

ذوالفقار عشق تو برّان تر است

(همان: ۴۵۰)

گاهی مشبه به کنایه است. مثلاً شاعر عشق را به آب خوردن تشبیه کرده که کنایه‌ای است از هر چیز راحت و آسان:

حرف دریا تشنه مردن بوده است

عشق مثل آب خوردن بوده است

(همان: ۶۳۹)

در مواردی در دل یک تشبیه، از تشبیه دیگری استفاده می‌کند. مانند تشبیه سینه خود به برکه که در ادامه، امید را هم به همان برکه تشبیه می‌کند:

ای نگهبان شقایق در زمین

ای بهار رحمة للعالمین

سینه‌ام را برکه امید کن!

قلب خونین مرا تعمیر کن!

(همان: ۱۴۴)

گاهی مشبه به به صورت تمثیلی و مرکب می‌آید و تشبیه تمثیلی می‌سازد که ساختن چنین تشبیهاتی کاملاً تازه و نو است. مثلاً در مثنوی «شمرشناس»، شمر مشبه است و او را به شکارچی متخلفی تشبیه کرده که در فصل بهار که شکار کبک ممنوع است، خون کبک‌ها را برای نهار می‌ریزد:

شمر یعنی هرکه در فصل بهار

خون کبکی را بریزد با نهار

(همان: ۱۰۵)

در مواردی مشبه به از نام‌ها، کلمات و اصطلاحات محاوره‌ای و امروزی ساخته شده است. مثلاً: شمر را به رهن یا پول پیش، تشبیه کرده است:

شمر یعنی نقب‌گرگ از راه میش

شمر یعنی رهن یعنی پول پیش

(همان: ۱۰۶)

مواردی که مشبه به دارای صنعت مجاز است. مثلاً شاعر مهربی حضرت زهرا<sup>(س)</sup> را به قطرات باران تشبیه کرده و به جای باران، مجازاً گفته:

ای کبود ارغوان‌ها دیده‌ات

آب‌های آسمان مهریه‌ات

(همان: ۲۲۷)

گاهی شاعر برای تأکید بیشتر، برای یک مشبه، مشبه به‌های متعدد می‌آورد. مثلاً وقتی می‌خواهد روی خباثت و زشتی‌های اخلاقی شمر تأکید کند، این‌گونه تشبیه می‌کند:

.... شمر یعنی تیغ..... شمر یعنی زخمه..... شمر یعنی هجو.... شمر یعنی رقص

خنجر..... شمر محصول زناى آهن است و...).

(همان: ۱۰۵-۱۰۶)

#### ۴-۳-۲. بررسی کمی و کیفی کنایه

یکی از پرکاربردترین صنایع در مثنوی‌های آیینی عزیزی، صنعت کنایه بوده که ۱۸۱ بار به کار رفته است. او سعی کرده علاوه بر کنایات سنتی و ادبی، از کنایه‌های محاوره‌ای و امروزی هم که مناسب شعر معاصر است، استفاده کند. برای نمونه: میچ وا کردن کنایه از رسوا کردن در این بیت:

ای میچ زنجیر را وا کرده تو

تیغ را تا حشر رسوا کرده تو

(همان: ۹۲)

یا هوایی شدن کنایه از عاشق شدن:

هرکه را حسن تو رخ داد، هوایی شده است

به خدا هرکه تو را دید، خدایی شده است

(همان: ۲۹۹)

یا کنایه صد در صد است، در این بیت:

قرن او قرن سلام و معبد است

عشق در دوران او صد در صد است

(همان: ۱۳۲)

#### ۴-۳-۳. بررسی کمی و کیفی استعاره مصرحه

شاعر در به‌کارگیری استعاره مصرحه، دقت و ظرافت خاصی داشته است. او در

مثنوی‌های آیینی خود ۱۱۶ استعاره مصرحه به کار برده است. برای نمونه، از نام گل‌ها به عنوان استعاره‌ای برای ائمه، حضرت فاطمه (س)، حضرت زینب (س) و شهدا استفاده کرده است. او در مثنوی «ضریح گمشده» از فقدان حضرت زهرا (س)، به فقدان «گل» و فراق «یاس» یاد می‌کند:

باید از فقدان گل خون جوش بود

در فراق یاس، مشک‌پوش بود

(همان: ۱۵۵)

و باز در همین مثنوی «کبود یاس» و «سرخ نسترن»، استعاره مصرحه از حضرت زهرا (س) و «نسترن‌های جوان» استعاره مصرحه از کودکان شهید در کربلاست:

گریه کن در زیر تابوت روان

گریه کن بر نسترن‌های جوان

(همان: ۱۵۶)

ویژگی دیگر استعاره‌های مصرحه شاعر آن است که برای یک استعاره، یک صفت یا صفات متعدد می‌آورد. در مثنوی «ضریح گمشده» برای «بهار» که استعاره از گورستان بقیع است، چند صفت می‌آورد: ای بهار گریه‌بار ناامید (همان: ۱۵۵) و در مثنوی «نخل و خون» کلمه «روباه» را با صفت «پست» آورده که استعاره از ابن ملجم است:

ای زیون بیشه‌ای روباه پستی

توان از روبه‌رو بر شیر جست؟

(همان: ۲۲۷)

## ۴-۳-۴. بررسی کمتی و کیفی نماد

نماد در شعر آیینی عزیزی جایگاه ویژه‌ای دارد و شاعر از ۶۱ نماد در کنار صنایع دیگر استفاده کرده است. ویژگی نمادهای شاعر در مثنوی‌های آیینی، ارتباط و تناسبی است که بین آن‌ها و سایر کلمات بیت وجود دارد. برای مثال «یاس» نماد برجسته‌ای از حضرت زهرا<sup>(س)</sup> بوده که در مثنوی «ضریح گمشده»، پانزده بار از آن استفاده شده است. مانند: یاس‌ها یادآور پروانه‌اند (همان: ۱۵۵)؛ تناسب بین یاس و پروانه؛ یاس بوی حوض کوثر می‌دهد (همان: ۱۵۶)؛ تناسب بین یاس و حوض.

یاس استنشاق معصومیت است (همان: ۱۵۵)؛ تناسب بین یاس و استنشاق؛ نکته دیگر آنکه شاعر برای حضرت زینب<sup>(س)</sup> نیز از نمادهای متناسب با «یاس» استفاده کرده است. برای نمونه «لاله» و «گل» نمادهایی از آن حضرت شده و «شقایق» هم نمادی از شهدای کربلاست؛ با شقایق‌ها محرم می‌شود (همان: ۱۴۲)؛ و در مثنوی «زخم زیبایی»، «شقایق» نماد «شهادت» شده است: ای نگهبان شقایق در زمین (همان: ۱۴۴).

از مجموعه نمادهای بالا مشخص می‌شود که ویژگی برجسته شاعر در انتخاب نمادها برای خاندان رسول<sup>(ص)</sup> و یارانش، استفاده از نام گل‌ها بوده است. مثلاً در مثنوی «دولت یار»، «زنبق‌ها» نماد یاران امام شده است: زمی دهد فرمان به زنبق‌های دور (همان: ۱۳۲)؛ اما برای دشمنان امام<sup>(ع)</sup> و یارانش از نمادهایی مثل «غول»، «ظلمت» و.... استفاده کرده است. در مثنوی «دره نی لبک»، «غولان» نمادی از دشمنان امام عصر<sup>(عج)</sup> است: من اسیر کوه غولان مانده‌ام (همان: ۱۴۶)؛ یا «شب» نماد روزگار تیره و تاریک است: شیعان شب را تنفس کرده‌اند (همان: ۸۴).

## ۴-۳-۵. بررسی کمی و کیفی تناسب و تضاد

تعداد تناسب‌های شاعر در اشعار آیینی، ۱۱۳ و تعداد تضادهایش ۴۲ عدد است؛ اما ویژگی کار عزیزی در آن بوده که با به‌کارگیری همزمان دو صنعت تناسب و تضاد، تقابل بین امام (ع) و یارانش با لشکر یزید را بهتر نشان داده است. در اینجاست که شرایط دوگانه‌ای بین خون و شمشیر و روشنی و تاریکی و... به وجود می‌آید. برای نمونه، در مثنوی «صلاة تشنگی» وقتی امام (ع) و یارانش در مقابل لشکر یزید قرار می‌گیرند و جنگ آغاز می‌شود، گفته است:

روی روشن در نگاهش چون شب است

وقت دل‌کندن زلف زینب است

(همان: ۶۳۹)

که بین روی، نگاه، دل و زلف، تناسب و بین روشنی و شب، تضاد وجود دارد. یا در مثنوی «شقایق شش ماهه» شرایط کربلا و امام و یارانش را چنین به تصویر می‌کشد:

می‌رود لب‌تشنه در کام سراب

چند گام آن سوترش، یک دجله آب

(همان: ۴۹۳)

تناسب به‌کاررفته در بیت فوق، میان لب و کام از یک طرف و آب و دجله از طرف دیگر است. همچنین در میان دجله و سراب از یک سو و آب و سراب از سوی دیگر، تضاد وجود دارد. در مثنوی «تکلم فرات» میان بذل و فضل، تناسب و بین رذل و فضل، تضاد وجود دارد:

معدن دل چشمهٔ بذل است این

ای ابورذلان، ابوفضل است این

(همان: ۶۴۱)

#### ۴-۳-۶. بررسی کمی و کیفی هم‌حروفی و هم‌صدایی (واج‌آرایی)

شعر عزیزی، شعری آهنگین است. یکی از روش‌هایی که شاعر سروده‌های خود را با آن آهنگین نموده، انتخاب واژگانی است که بیشترین هم‌صدایی و هم‌حروفی را دارند. این صنعت ۸۹ بار به‌کار رفته و به شیوه‌های گوناگونی در مثنوی‌های او خودنمایی کرده است. او از ترکیبات هم‌صدا و هم‌حروف بسیاری استفاده کرده است؛ تا جایی که بعضی از عناوین مثنوی‌های کتاب طغیان ترانه نیز از این صنعت برخوردار است. مانند: «سماح سینه‌زنان»، «شمرشناس»، «شقایق شش ماهه» و... همچنین ترکیبات دیگری از همین نوع در بین اشعارش دیده می‌شود. مانند: شهوت شمشیر، نشر شمر و... روش شاعر در به‌کارگیری واج‌آرایی، استفادهٔ مکرر حروف و صداهای مشابه است. مانند: حرف «شین» در این مصراع‌ها از مثنوی «سماح سینه‌زنان»: لشکری از شمر شمشیرت زدند... دشمن تو شهوت شمشیر داشت.

(همان: ۸۵)

#### ۴-۳-۷. بررسی کمی و کیفی هجاءآرایی

گاه شاعر برای بیان احساسات و افکار خود از هنر «هجاءآرایی» بهره برده است. در تعریف هجاءآرایی گفته‌اند: «هجاءآرایی یعنی آرایش سخن از راه کاربرد ویژهٔ هجاها. آنجا که هجا در یک جای چندواژه آمده باشد، بسته به اینکه هجا در آغاز واژه باشد یا در میان یا در پایان آن، سه شیوه می‌پذیرد: هم‌آغازی، هم‌میانی و هم‌پایانی» (راستگو، ۱۳۸۲: ۲۶). برای نمونه در نخستین بیت مثنوی «صلاة تشنگی» وقتی شاعر از

ماه بنی هاشم سخن می‌گوید، هجای «آه» از واژه‌های ماه، راه، آهن و آه به‌عنوان قافیه بیت، به گوش می‌رسد:

می‌رود ماه بنی هاشم به راه

جسم غرق آهن و جان غرق آه

(عزیزی، ۱۳۸۷: ۶۳۹)

#### ۴-۳-۸. بررسی کتی و کیفی هم‌خوانی (سیمامعنایی)

هنر شاعر فقط در به‌کارگیری (واج‌آرایی) خلاصه نمی‌شود. او با تکرار شکل و سیمای واج‌ها سعی دارد معنا و مفهومی را به وجود آورد که با مفهوم و معنای شعرش «هم‌خوانی» داشته باشد. در تعریف سیمامعنایی گفته‌اند: «یعنی اینکه گوینده به‌گونه‌ای به هرگونه که باشد، شکل نوشتاری و سیمای املائی سخن خویش را با حال و هوای معنایی آن هم‌خوان و همگام سازد» (راستگو، ۱۳۸۲: ۲۰۹). تعداد هم‌خوانی‌های شاعر هفده عدد است. برای نمونه در مثنوی «آواز علقمه» وقتی از رشادت حضرت عباس<sup>(ع)</sup> در آوردن مشک آب سخن می‌گوید، از واج «شین» بیشترین استفاده را می‌کند تا با تکرار آن، کثرت نقاط «شین» و به کمک نقاط حروفی مثل (چ- ژ- پ) در بیت، بتواند قطره‌های آبی که از مشک فرومی‌ریزد یا قطره‌های اشک عزاداران حسین<sup>(ع)</sup> را بیشتر و بهتر نشان دهد.

عشق عباس است و عالم مشک او

چشمه یعنی آبروی اشک او

گرز مژگان در نمی‌غلطید اشک

بی‌گمان از اشک پرمی‌گشت مشک

(عزیزی، ۱۳۸۷: ۶۴۱)

و دوباره همین هنر را در مثنوی «تکلم فرات» به کار برده؛ آنجا که سخن از حضرت عباس<sup>(ع)</sup> در آوردن مشک آب است:

امر مولا گرچه رفع تشنگی ست

چارهٔ عشاق، دفع تشنگی ست

(همان: ۶۴۱)

حتی شاعر در عنوان مثنوی «شقایق شش ماهه» از این صنعت بهره برده است تا از نقاط حروف شین، قطرات خون علی اصغر<sup>(ع)</sup> شش ماه را به تصویر بکشد. همچنین در این مثنوی آنجا که یزیدیان با دشنه، تشنهٔ خون شقایق شش ماهه‌اند، گفته است:

وین عجب کاین ناکسان هم تشنه‌اند

تشنهٔ یک قطره خون، چون دشنه‌اند

(همان: ۴۹۳)

و در مثنوی «روضهٔ دوست» در بیتی پراحساس، قطره‌های اشک را با تکرار حروف چ و ش به تصویر کشیده است:

گاه می‌افتاد از چشم غمش

قطره‌ای از شیعیان شب‌نمش

(همان: ۸۴)

#### ۴-۳-۹. بررسی کمی و کیفی هم‌خوانی (آوامعنایی)

شاعر علاوه بر ایجاد ارتباط بین شکل حروف با معنای مورد نظرش که در هم‌خوانی (سیمامعنایی) ملاحظه شد، با صدای واژه‌ها نیز دو بار از صنعت هم‌خوانی (آوامعنایی)

استفاده کرده است. به گونه‌ای که صداها می‌توانند مفاهیم و معانی مورد نظر شاعر را به وجود آورند. در تعریف هم‌خوانی (آوامعنایی) گفته‌اند: «آوامعنایی یعنی اینکه آهنگ و آوایی که از سخن برمی‌خیزد، با حال و هوای معنای عاطفی و تصویری آن هم‌خوان باشد و چه بسا آن را فریاد آورد» (راستگو، ۱۳۸۲: ۲۰۴). برای نمونه در مثنوی «نخل و خون» در اثر تکرار عامدانه واج «ز» در بیت، صدای پیوسته و بلند زوزه تداعی می‌شود:

بیشه حق را ازین پس شیر نیست

جز صدای زوزه تزویر نیست

(عزیزی، ۱۳۸۷: ۲۲۸)

یا در ترکیب «زبان زنجره» که عنوان یکی از مثنوی‌های شاعر است، صدای «ز» و تکرار عامدانه آن در این ترکیب، با صدای ممتد و طولانی زنجره هم‌خوانی دارد. «زنجره جانوری است کوچک شبیه ملخ که شب‌ها آواز طولانی کند. جنس نر این حیوان با اعضای مخصوص زیر شکم و کشیدن پایش به آن‌ها، صدای صوت مخصوص تولید می‌کند، سیرسیرک» (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل زنجره).

#### ۴-۳-۱۰. بررسی گمتی و کیفی استعاره مکنیه و تشخیص

در نظر شاعر آنچه بر خاندان آل رسول (ص) در صدر اسلام تا امروز گذشته، باعث شده است زمین و آسمان، جامد، نبات، حیوان و خلاصه هرچه در این دنیا وجود دارد، شخصیت انسانی پیدا کند و همراه با شیعیان به دادخواهی ائمه و شهدای کربلا به پا خیزد. گویی همه شاهد مظلومیت آنان بوده‌اند و در غم و مصیبت آن‌ها شریک و همراهند. به همین خاطر در سراسر مثنوی‌های آیینی شاعر، شاهد ۶۴ استعاره مکنیه و صنعت تشخیص می‌باشیم. برای نمونه، وقتی فرق علی (ع) شکافته و آن حضرت شهید می‌شود، فرق عدالت نیز شکافته می‌شود:

گریه بر فرق عدالت کن که فاق

می شود از زهر شمشیر نفاق

(عزیزی، ۱۳۸۷: ۱۵۶)

ویژگی دیگر آنکه این شخصیت بخشی و ترکیبات استعاری شاعر بسیار تازه و نو هستند. برای نمونه، وقتی از کاشتن درخت نیایش توسط زینب<sup>(س)</sup> سخن می‌گوید، از ترکیب «غرس نیایش» استفاده می‌کند:

ای زن غرس نیایش در جنون

ای زن اهل درو در فصل خون

(همان: ۱۴۳)

همچنین در کلمه اول استعاره مکنیه، صنعت ایهام به کار برده است. در بیت زیر قلب عالم ایهام دارد: ۱. مرکز عالم؛ ۲. قلب و دل عالم:

قلب عالم را تو دیدی خونفشان

رو به سوی قتلگه دامن کشان

(همان: ۱۴۲)

او در استعاره‌های مکنیه اشعارش از کلمات جدید و امروزی استفاده کرده که در شعر معاصر کم سابقه است. برای نمونه در مثنوی «بیات نینوا» ترکیب استعاری «پخش روح شیطان» را به کار برده است. در این ترکیب روح شیطان به فیلم یا سریالی تشبیه شده که هر شب از تلویزیون پخش می‌شود:

عصر پخش روح شیطان در شب است

عصر نفی نور و محو مذهب است

(همان: ۹۳)

دیگر آنکه در میان دو کلمه در ترکیب استعاری، از صفت استفاده می‌کند. برای نمونه در مثنوی «نخل و خون» می‌گوید: بعد از شهادت حضرت علی<sup>(ع)</sup>، رسالت مثل درختی شده که سایه ندارد و عدالت مثل بیماری که رنگ به رخسارش نیست:

سایه سبز رسالت بی تو نیست

رنگ بر روی عدالت بی تو نیست

(همان: ۲۲۸)

عزیزی در اشعارش به اشیا و وسایلی شخصیت انسانی می‌بخشد که از نظر شیعیان دارای اهمیت و اعتبار خاص هستند. برای نمونه در مثنوی «از دشت مطلق» به ذوالفقار حضرت علی<sup>(ع)</sup> شخصیت انسانی داده است که با شنیدن صدای شمشیرهای دیگر، خورش به جوش می‌آید:

هر کجا شمشیر باشد در خروش

خون سرخ ذوالفقار آید به جوش

(همان: ۱۵۲)

#### ۴-۳-۱۱. بررسی کمی و کیفی تشخیص

شاعر ۵۸ بار صنعت تشخیص را به تنهایی استفاده کرده است. ویژگی این صنعت در شعر آیینی عزیزی آن است که تمام جمادات و اشیا که بی جان هستند، در ایام محرم با عزاداران امام حسین<sup>(ع)</sup> و یارانش در سوگواری شریک می‌شوند. برای نمونه در مثنوی «آیات نینوا» ابر سیاه هم می‌گیرد:

چیست این آویزه خونین ماه؟

بر کجا می‌گیرد این ابر سیاه؟

(همان: ۹۲)

یا در جایی دیگر، به «باد» صنعت تشخیص داده و برای شهدای کربلا زاری و شیون می‌کند:

شیون بادی ست جاری هر طرف

نالهُ شیری ست از سمت نجف

(همان: ۹۲)

در مثنوی «نخل و خون» نیز عرش الهی به نشانهٔ عزاداری، برای رسول اکرم (ص) مشکی می‌پوشد:

آه زهرا، عرش مشکی پوش شد

وای، شمع مصطفی خاموش شد

(همان: ۲۲۷)

#### ۴-۳-۱۲. بررسی کمی و کیفی ایهام

عزیزی در مثنوی‌های آیینی خود ۳۳ بار از صنعت ایهام استفاده کرده است. او در این صنعت گاه با کلمات و اسامی خاص ایهام می‌سازد. مانند کلمهٔ «رباب» در این بیت:

آتش طفلان کبابش کرده است

مویه مانند ربابش کرده است

(همان: ۶۳۹)

که رباب هم به معنی رباب، همسر امام حسین<sup>(ع)</sup> و هم به معنی ساز معروف است. یا با کلمهٔ «لات» که هم در معنی خاص نام بت معروف عرب جاهلی است و هم در معنی آدم لات و بی سروپا:

جدّ او در کوی عزّی لات داشت

جدّ تو در هر قدم میقات داشت

(همان: ۸۶)

یا کلمه «سربداران» که هم نام گروهی از شیعیان خراسان است و هم به معنی کسانی که سر به دار شده‌اند، در این بیت:

زخم شیعی را سواران دیده‌اند

این طنین را سربداران دیده‌اند

(همان: ۱۵۶)

هنر دیگر شاعر در صنعت ایهام، آن است که گاهی کلمه ایهام سه معنی پیدا می‌کند. مانند واژه «اطلسی» در این بیت:

صبح را در اطلسی‌ها ساکن است

ظهر را در کهکشان‌ها کاهن است

(همان: ۸۳)

«اطلسی» در این بیت سه معنی دارد: ۱- گل‌های اطلسی؛ ۲- پارچه‌های اطلسی؛ ۳- فلک اطلس.

#### ۳-۳-۱۳. بررسی کمی و کیفی ایهام تضاد

یکی از ویژگی‌های شاعر در صنعت ایهام تضاد آن است که بخشی از یک کلمه را گرفته و با کلمه دیگر بیت، ایهام تضاد می‌سازد. مانند کلمه «یزید» که بخشی از کلمه «بایزید» عارف معروف بوده و با «حسین» ایهام تضاد شده است:

تا فنای تو در این آینه عینی نشود

ایزید تو در این راه حسینی نشود

(همان: ۳۰۰)

#### ۴-۳-۱۴. بررسی کتی و کیفی ایهام تناسب

شاعر سیزده بار از این صنعت بهره برده است. گاهی با اسم‌های خاص ایهام تناسب می‌سازد. مانند کلمهٔ شام مرکز حکومت یزید با یتیمان، ایهام تناسب دارد: گریه کن بر آن یتیمانی که شام (همان: ۱۵۶).

#### ۴-۳-۱۵. بررسی کتی و کیفی ایهام ترجمه

شاعر یک بار با کلمهٔ «عین» صنعت ایهام ترجمه ساخته است. کلمهٔ عین در زبان عربی به معنی چشم است و با کلمهٔ دیده در زبان فارسی، ایهام ترجمه دارد:

دیده‌ام من در شقایق‌ها به عین

اشک زینب، خواهر خون حسین

(همان: ۱۴۲)

#### ۴-۳-۱۶. بررسی کتی و کیفی ایهام دوگانه خوانی

شاعر سه بار از این صنعت استفاده کرده است. یکی از روش‌هایی که عزیزی ایهام دوگانه خوانی ساخته، استفاده از علامت صفت تفضیلی یعنی «تر» است. او در مثنوی «نخل و خون» در توصیف حضرت زهرا<sup>(س)</sup> گفته است:

ای گل با اشک خونین تر شده

ای به هجده سالگی پرپر شده،

## چون نگرید چشم زهرا سرخ و تر

در فراق هم پیمبر هم پدر

(همان: ۲۲۷)

که می‌توان آن را دوگونه خواند: ۱- با اشک، خونین‌تر شده؛ ۲- با اشک خونین، تر شده؛ نمونه دیگر در ایهام دوگانه خوانی، کاربرد کلمه «زناشویی» یا «زنا، شویی» در این بیت از مثنوی «سماح سینه‌زنان» است:

دشمن تو شهوت شمشیر داشت

دشمن تو صیغه زنجیر داشت

مادر او جز زنا شویی نکرد

مادر پاک تو، تن جویی نکرد

(همان: ۱۵۵)

که می‌توان آن را دوگونه خواند: ۱. جز زنا، شویی نداشت؛ ۲. جز زناشویی نداشت. در مثنوی «تعزیه بهار» نیز شاعر برای کلمه «لاله‌زار» از این صنعت استفاده کرده است: هر سال زلاله زار بشنو.

که می‌توان آن را دوگونه خواند: ۱. از لاله‌زار بشنو؛ ۲. از لاله‌زار یعنی لاله‌ای که زاری می‌کند، بشنو.

## ۴-۳-۱۷. بررسی کتی و کیفی ایهام تبادر

شاعر هفت بار از این صنعت استفاده کرده و قصد داشته است با آن کلماتی را به ذهن خواننده متبادر کند که با محتوا و موضوع شعر او در ارتباط است. برای نمونه در مثنوی «پای دیوار ندبه» شعر را با توصیف حضرت علی<sup>(ع)</sup> آغاز می‌کند و وقتی به

توصیف شیعیان آن حضرت می‌رسد، می‌گوید:

شیعه هر شب می‌چکد از چشم یاد

شیعه عاشق می‌شود هر بامداد

(همان: ۱۵۵)

کلمه «یاد» ایهام تبادر دارد به کلمه «یار» که منظور از یار، همان حضرت علی<sup>(ع)</sup> است. در مثنوی «سماع سینه‌زنان» سبزه‌دار، کلمه سربه دار را تداعی می‌کند:

السلام ای سبزه‌دار خاک‌ها

السلام ای خون سرخ تاک‌ها

(همان: ۱۵۵)

و در مثنوی «نخل و خون» آنجا که داستان هاجر (مادر اسماعیل) را آورده است، کلمه سارا، اسم ساره (مادر ابراهیم) را به ذهن متبادر می‌کند.

ای ز نامت گل چمن‌آرا شده

هاجر از اندوه تو سارا شده

(همان: ۱۵۵)

#### ۴-۳-۱۸. بررسی کمی و کیفی حُسن تعلیل

شاعر برای مفاهیم و مضامین شعر عاشورایی دو بار از حسن تعلیل استفاده کرده است تا بگوید همه طبیعت و موجودات، به دلیل شهدای کربلا و عزاداران امام<sup>(ع)</sup> دردمند و عزادارند. برای نمونه در مثنوی «بیات نینوا» می‌گوید:

زخم دیدی تا زمین غلغل کند

تیغ خوردی تا شقایق گل کند

(همان: ۹۲)

و در مثنوی «نخل و خون» در توصیف حضرت زهرا<sup>(س)</sup> دلیل چمن آراشدن گل را بردن نام آن حضرت می‌داند.

ای ز نامت گل چمن آرا شده

هاجر از رخسار تو سارا شده

(همان: ۲۲۷)

#### ۴-۳-۱۹. بررسی کمی و کیفی واژه‌آرایی (تکرار کلمات)

در شعر آیینی عزیزی، ۳۲ بار صنعت واژه‌آرایی استفاده شده است. نکته بلاغی در واژه‌آرایی آن است که شاعر با تکرار کلمات، مفاهیم و معانی ویژه‌ای را به وجود می‌آورد که در ذهن و زبان شیعیان موضوع یا شخص خاصی را تداعی می‌کند. او این صنعت را به صورت هدفمند به کار می‌برد. مثلاً وقتی که شاعر در مثنوی «ضریح گمشده» در مقام و منزلت حضرت زهرا<sup>(س)</sup> سخن می‌گوید، به جای نام حضرت، از نماد گل «یاس» استفاده می‌کند و برای تأکید بیشتر و برجسته‌کردن آن، کلمه «یاس» را در ابتدا، وسط و آخر ابیات می‌آورد. برای نمونه:

یاس عطر دوران جوانی می‌دهد

یاس بوی مهربانی می‌دهد

یاس‌ها پیغمبران خانه‌اند

یاس‌ها یادآور پروانه‌اند

یاس، دامان سپید آشتی‌ست

یاس در هر جا نوید آشتی‌ست

بر لبان ماکه می‌خندید؟ یاس

در شبان ماکه شد خورشید؟ یاس

یاس استنشاق معصومیت است

یاس مثل عطر پاک نیت است

(همان: ۱۵۶)

یکی دیگر از هنرهای شاعر در واژه‌آرایی، تکرار کلمه «یا حسین!» و «حسین» است. همانطور که در آیین سوگواری محرم این کلمه بارها تکرار می‌شود، شاعر نیز آواز (یا حسین، یا حسین) را در مثنوی «شقایق شش ماهه» و در آخر بیت تکرار کرده است:

نیست اینجا مردخویی یا حسین!

زین یزیدستان چه جویی یا حسین؟

(همان: ۴۹۳)

یا تکرار کلمه «حسین». مانند آنچه در مثنوی «تکلم فرات» آمده است:

چون بنوشم بی مراد خود حسین

در عطش اولی تر از من بُد حسین

(همان: ۶۴۱)

همچنین برای نشان دادن حالت گریه و شدت گریستن عزاداران امام حسین<sup>(ع)</sup>، در مثنوی «ضریح گمشده» در ابتدا و انتهای ابیات، کلمه گریه را دوازده بار تکرار می‌کند. یا کلمه «یا علی» را به عادت شیعیان که در آغاز و شروع هر کار «یا علی» می‌گویند، در ابتدای مثنوی «پای دیوار ندبه» تکرار می‌کند:

یا علی! من مثل نقالان پیر

از تو می‌جویم مدد در رزم شیر

## یا علی! من مثل حمالان بد

وقت تنگی از تو می خواهم مدد

(همان: ۱۵۵)

شاعر گاهی برای بزرگداشت جد امام<sup>(ع)</sup> یعنی پیامبر<sup>(ص)</sup> و برای خوارداشت جد یزید یعنی هنده، در مثنوی «سماع سینه زنان» پنج بار ابیات را با مقایسه و تکرار کلمه «جد او» و «جد تو» آغاز می کند. یا وقتی می خواهد در بزرگداشت و ارزش مقام زینب<sup>(س)</sup> سخن بگوید، در آغاز ابیات مثنوی «زخم زیبایی»، پنج بار کلمه دختر را تکرار می کند: «دختر طاهها»، «دختر زهرا»، «دختر لولاک» و «دختر پاک حرا». در مقابل، برای خوارداشت و نکوهش «شمر» در مثنوی «شمرشناس»، ۲۲ بار واژه شمر را در ابتدای ابیات یا آغاز مصراع های دوم تکرار می کند تا از این طریق تنفر خود را از اعمال شنیع او در روز عاشورا نشان دهد.

## ۴-۳-۲۰. بررسی کتی و کیفی صنعت حس آمیزی

شاعر سه بار از این صنعت بهره برده و در آن سعی کرده از رنگ سرخ استفاده کند تا مفاهیم عمیق عرفانی، مذهبی و دینی را بازگو کند. یکی از شعارهای مذهب شیعه، رنگ سرخ بوده و شاعر با این کلمه صنعت حس آمیزی ساخته است. مانند (سرخ مردن) در مثنوی «نخل و خون»: سرخ مردن مغز آیین علی است (همان: ۲۲۹). و باز در همان مثنوی، سال شهادت امام علی<sup>(ع)</sup> را سال سرخ می نامد: سال سرخ زخم و زنجیر است این. در مثنوی «زخم زیبایی» نگاه سرخ را به کار برده است: در نگاه سرخ تو، گل جان سپرد (همان: ۱۴۳).

## ۴-۳-۲۱. بررسی کتی و کیفی آشنایی زدایی

شاعر چهار بار از صنعت آشنایی زدایی استفاده کرده است تا حقانیت ائمه و شیعیان

را به اثبات برساند. برای نمونه وقتی واقعه کربلا رخ می‌دهد، رگ، تیغ را می‌برد یا تیغ و شمشیر دشمنان امام، کشته می‌شود. مانند این ابیات در مثنوی «بیات نینوا»:

توبه خاک و خون کشیدن تیغ را  
با رگان خود بریدی تیغ را  
لاشۀ زنجیر بر راه تو ماند  
نعش خنجر در گلوگاه تو ماند  
ماند جای سینه‌ات بر تیرها  
تا ابد زخم تو بر شمشیرها

(همان، ۹۲)

#### ۴-۳-۲۲. بررسی کمی و کیفی پارادوکس (متناقض نما)

پارادوکس (paradox) یا متناقض نما یا «تناقض در کلام یعنی خلاف معنی دیگر نوشته شود. نوشتن صفتی به چیزی که آن صفت در آن نباشد چون شراب شیرین» (رادفر، ۱۳۶۸: ۲۲۰). این صنعت سه بار در شعر آیینی عزیزی به کار رفته و شاعر از آن برای نشان دادن تناقض و عدم سازگاری بین شیعیان و دشمنان آنان استفاده کرده است. برای نمونه، عنوان یکی از مثنوی‌های او «زخم زیبایی» است که خود آن پارادوکس دارد؛ یعنی هرچند «زخم» باعث زشتی و نازیبایی انسان می‌شود، اما این زخمی که در تقابل بین حق و باطل بر امام و یارانش وارد شده است، نشانه زیبایی و باعث افتخار آن‌هاست. در مثنوی «درّه نی لبک» نیز ترکیب «رنج قشنگ» را آورده است:

از ظهور آب تا تخمیر رنگ  
گریه کردم من بر این رنج قشنگ

(عزیزی، ۱۳۸۷: ۱۴۵)

## ۵. نتیجه‌گیری

پس از بررسی نتایج کمی و کیفی صنایع ادبی و فنون بلاغی در مثنوی‌های آیینی عزیزی، این نتیجه حاصل شد که شاعر در به‌کارگیری صنایع ادبی و علوم بلاغی در مثنوی‌های کتاب طغیان ترانه، نوآوری‌ها و ابتکارات فراوانی از خود بروز داده و توانسته بین صنایع ادبی، تفکرات، اعتقادات و اصول مذهب شیعه، ارتباط و پیوندی ناگسستنی ایجاد کند و بر غنا و ارزش محتوایی شعر خود بیفزاید. صنایع ادبی و فنون بلاغی در شعر آیینی عزیزی از یک صنعت ساخته نشده؛ بلکه او صنایع دیگری را هم به کار برده و از این نظر، آرایه‌های ادبی او چندوجهی است. شاعر برای به تصویرکشیدن صحنه‌ها و لحظاتی از تاریخ شیعه، به‌گونه‌ای از تصاویر ادبی استفاده کرده که می‌خواسته تا ابد در ذهن شیعیان به صورت برجسته و باشکوه باقی بماند. او با بیان شاعرانه و امروزی خود توانسته توجه نسل جوان را به تاریخ اسلام، شخصیت‌های مهم و اتفاقات تاریخی که بر شیعیان و خاندان رسول<sup>(ص)</sup> گذشته است، معطوف کند تا از تاریخ شیعه درس بگیرند و در آینده خود به کار بندند. احمد عزیزی فقط یک شاعر نیست؛ او مانند معلمی دلسوز، در اشعارش با استفاده از سیره خاندان رسول<sup>(ص)</sup> و راه و مرام ائمه<sup>(ع)</sup>، مسئولیت و وظیفه شیعه بودن را به ما گوشزد می‌کند و با مباحث مهم و اساسی مربوط به زمان حال و آینده مانند ظهور امام<sup>(عج)</sup>، موضوع انتظار، وظیفه شیعیان در دوران غیبت و... آشنا می‌کند. بدین ترتیب او را باید شاعر و ادیبی توانا بدانیم که توانسته است رسالت شیعه بودن خود را با سرودن اشعاری فصیح، بلیغ و پرمحتوا به نحو ممتازی انجام دهد و نام خود و اشعارش را برای همیشه در دل شیعیان ماندگار سازد.

## منابع

۱. قرآن کریم
۲. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). لغتنامه‌ی دهخدا. زیر نظر محمد معین و جعفر سجادی. تهران: دانشگاه تهران.
۳. رادفر، ابوالقاسم (۱۳۶۸). فرهنگ بلاغی - ادبی واژه‌ها، اصطلاحات، تعبیرات و مفاهیم، تهران: اطلاعات.
۴. راستگو، محمد (۱۳۸۲). هنر سخن‌آرایی (فن بدیع). تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۵. شمیسا، سیروس (۱۳۸۱). بیان، تهران: فردوس.
۶. عزیزی، احمد (۱۳۸۷). طغیان ترانه. تهران: کتاب نیستان.
۷. معین، محمد (۱۳۵۷). فرهنگ فارسی. تهران: امیرکبیر.
۸. همایی، جلال‌الدین (۱۳۶۸). فنون بلاغت و صناعات ادبی. تهران: دانشگاه تهران.

